



امیرحسین زاکری
روزنامه‌نگار

دوست اهل م تله پاتمی که ذهن خوانی می‌کند یعنی منویات درونی مسرا متوجه می‌شود تماس گرفت و با توپ پر گفت: بی‌غیرت‌انشتستی پشت‌میزو کامپیوترت چرت می‌زنی؟ در حالی که عده‌ای جلو سفنارت و ونزوتلا در حمایت از مادورو جمع شدند. مادورو به قول سفیر ونزوتلا هوگو چاوز دیگر است. نمی‌تونی تصور کنی حس می‌کنی روح چاوز به جهان فانی بازگشته و در تک تک تجمع کنندگان حلول کرده. البته هر چی می‌گرم تو جمعیت احمدی نژاد را نمی‌بینم

یادته تو بغل بابای مرحوم چاوز چه اشک‌هایی می‌ریختی؟ تازه نمی‌دانی برخی از اصحاب کفیف بیخشیصدی اصحاب دلواپس یا "دلواپسان مادورو" هم ریختند تو سفنارت ونزوتلا، گفتی‌ای وای ریختند تو سفنارت، دیواره حاشیه‌سازی؟ خندید و گفت از مرحله پرتی. این ریختن تو سفنارت در حمایت از دولت آن کشور، به چرا به قول مدیر روزنامه‌تان گیج می‌زنی؟ این حضور در سفنارت مهربانانه بوده خود کارلوس کوردوس سفیر ونزوتلا دعوتشان کرده از دیوارسفنارت که بالا نرفتنند. گفتیم خب ما چکار به دولت ونزوتلا داریم؟ چنان خشمگین و غضبناک شد که یاد فیلم "خوش‌شاه خشم" با بازی هنری فوندا افتادم که شاید انقلابی‌ترین انقلابی‌های ونزوتلا مثل سیمون بولیوارچین خشم و هیاهو شورانگیزی همچو وی نداشتند. چون با خشم گفت: بی غیرت، تو برایت مهم نیست محافلین مادورو فریاد می‌زدند "آخر هفته مادورو رفته" ونزوتلا اگر تورم یک میلیون درصدی هم دارد ملت دولت و خادمین خود را دوست دارد؟ ما باید این آرزو را به دل مخالفین بناریم که مسادورو برود. یادشو بیا جلو سفنارت کناربرچ در مخالفت با ماضی غیر قانونی دولت یعنی خوان گوایدو فریاد بزنیم: گوایدو حیا کن - مادورو رو رها کن. مدیر یکی از جراید گفته هرکی جلوی سفنارت ونزوتلا نره حمایت از مسادورو نکنه بی غیرته! من وخیلی از بچه محل هامون هم جلو سفنارتیم. بیا ببین چه غوغایی شده؟ تو انگار تفریحات جهانی برات کنشکه نه؟ عرض کردم کشک نیست اما اول اینکه نمی‌توانم فریاد بزنم شعار بدهم چون گلو درد دارم، دوم اینکه آلان در صف گوشت پختی هستم البته به من و چند نفر نرسید فعلا درفروشگاه جمع کردیم علیه رئیس فروشگاه و داریم شعاری می‌دهیم. گفت بی غیرت برای نهصد گرم قلمه گاه لاقابل ملت ونزوتلا را تنها نزار یادشو بیا جلو سفنارت!

اینک که "کانال" شده شعارت هیج و پوچ بود در انتظارت

پس از مدت‌ها کش و قوس‌هایی بدتر از کش تومبان‌های قدیمی و قوس رنگین کمان بالآخره سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس به طور رسمی راه‌اندازی کانال ویژه مالی اروپا یا ایران را اعلام کردند و عنوان کردند: در ادامه تعهد و تلاش‌های خود برای حفظ توافق هسته‌ای که به تصویب شورای امنیت سازمان ملل رسیده است، به طور رسمی اعلام می‌کنند که "INSTEX" (بازار حمایت از تبادلات تجاری) راه اندازی شد. بعد از این خبر راه اندازی دل من نیزخوش شد. هر چند نکته‌چی مثل هر دلواپس دیگری دل به این حرکات اروپاتیک سیاسی اروپایی‌ها خوش نمی‌کند کلا بنده "مایوس الحال" هستم و عطف به سلسله غریبه‌ها، هر بار نژاد و راهکار آنان را ترکمنچای می‌دانم، چه بسا شاید غرب ستیزان بگویند این کانال گل آلود است، برجام دیگر است، حتی ترکمنچای دیگر است. باید خروج کرد از هر چه قرار داد با غرب باید خروج کرد. حتی نسبت به ایجاد این کانال مالی اروپا موضع گیری مایوسانه بگیرند و به دلخوش کنندگان به این کانال مالی شعار تهدیدآمیز دهند:

اینک که کانال شده شعارت هیج و پوچ نبود در انتظارت

اما از آنجایی که اعتقاد دارم آدمی عاقبت یک وجب جا خواهد خوابید لذا باید حرف حق بزند عرض می‌کنم شاید نتیجه این کانال زبان لال هیج و پوچ باشد، اما انصافا حداقل با اعلام رسمی این راه اندازی این کانال مالی، اروپا اندک ایران وجودی در مقابل آمریکا و تهدیدات کاخ سفید کرد. بنده که مدت‌هاست دنبال کانالی برای بهبود اوضاع مالی ام هستم. چون بیش از آنکه نکته چی باشم "مقاوم چی" شده ام.



اذان ظهر: ۱۲:۰۸
اذان مغرب: ۱۷:۵۳
اذان صبح فردا: ۵:۳۷
طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۲

امام علی (ع): نیرنگ زند، شیوه افراد سرکش است.

آفتاب یادداشت



دهه فجر و جشن هایش، از جمله موضوعاتی است که همه ما به نوعی با آن رابطه و حتی خاطره داشته ایم، اما جالب است که با گذشت زمان و رشد نسل های جدید، نگاه، تفسیر و حتی تعلق خاطر نسبت به این رسم و آیین هم تفاوت هایی کرده است. برای هم‌نسلان من که سال‌های کودکی و نوجوانی شان در دهه شصت و هفتاد گذشته، معنای دهه فجر نوعی جشن و سرور فرهنگی و عمومی بود که جذابیت و شیرینی جشن های آن، قواعد خشک و رسمی مدارس را به هم می زد و فضای پرشور و هیجانی را برپایان خلق می کرد. اشارات ذیل نگاهی است د و باره، به برخی نوستالژی های دهه فجر نوجوانان دهه شصت و هفتاد:

۱- تزئین مدرسه و کلاس‌ها با کاغذهای رنگی و پرچم های سه رنگ اولین نشانه زندگی دهه فجر بود! حتی بچه های ابتدایی که چیزی از تقویم و تاریخ نمی دانستند، با دیدن آن همه تنوع رنگ آن هم در روزگار تک رنگی و تیره پوشتی، دو ریالی شان می افتاد که انگار راستی روایتی پای جشن و سرور و شیرینی در میان است. با رسیدن روز ۱۲ بهمن، دیگر معلم ها زیاد سخت نمی گرفتند و بساط جشن های مدرسه ای و کلاسی بر پا می شد. تقلید صدا، تئاترهای خنده دار، روزنامه دیواری های پر از شعار و کلیشه، سرودهای انقلابی و پخش شیرینی و میوه پای ثابت همه جشن های مدارس بود. بلندگوی مدرسه هم مثل تلویزیون، آقدر سرودهای انقلابی را پخش می کرد که حتی بچه های رفوزه کلاس هم که توان حفظ کردن یک بیت شعر را نداشتند، سرود «قسم به اسم آزادی...» را از حفظ چه چه می زدند!

۲- با آغاز دهه فجر، سریال ها و فیلم های تکراری تلویزیون هم شروع می شد. «چاق و لاغر»، «خبرنامه» و «جستجو» سریال‌های برنامه کودک بودند که دیگر همه ساکنان هایش را از حفظ بودیم، اما باز می نستسیم به تماشای زنگ بازی های اسماعیل و حوادث تلخ و شیرین قهوه خانه بین راهی شان. می خندیدیم از حماقت های چاق و لاغر و قهقهه زدن زبان قرمز رنگشان و غرق خیالات و آرزوهای بیچگانه می شدیم با دیدن مامور X۶۲۵ که آدم اهنی بود و آن طور با ادا و اطوار قدم بر می داشت و حرف می زد!

گاهی هم گریه‌مان می‌گرفت از گیر افتادن اندرزگو و پایان تلخ فیلم «تیرباران»، چون پیش خودمان فکر می‌کردیم این دفعه اندرزگو با آن هوش و زرنگی اش، موفق به فرار می‌شود و بازهم ماموران ساواک را قال می‌گذاردا! بعد این همه سال هنوز هم نمی‌دانم که چرا همیشه دلمان به حال چاق و لاغر بیچاره می‌سوخت و دوست داشتیم برای یکبار هم که شده در ماموریت‌شان موفق شوند و سرکوفت‌های رئیس بزرگ را نشنودا!

۳- بچه‌های سررویس با کلسی خواهش و تمنا، بالاخره رضایت آقا جلیل را هم گرفته بودند برای تزئین داخل مینی بوس. فقط شرط گذاشته بود که تزئینات کم باشد و بدون عکس. نیم ساعت وقت داشتیم تا آمدن آقا جلیل. وقتی از دفتر مدرسه بیرون آمد و سوار ماشین شد، بیچاره هنگ کرد!

مینی بوس اش شده بود عین ماشین‌های رنگارنگ پاکستانی! داد و فریاد و کلسی بد و بیراه‌نثارمان کرد وقتی دید که به اینه‌راننده هم رحم نکرده ایم و روی عکس سه درچهار بچه هایش، چندتا عکس چسبانده ایم!

۴- جشن های سازمان‌ها و ادارات دولتی هم

آفتاب نقدفرهنگی



فریاده، انتقادها و اعتراض های اهالی سینما، رسانه‌ها و منتقدان مستقل به عملکردهای غلط و انحرافی نامدبران سینما که به تخریب دستاوردهای سینما و بروز و ظهور و یکه تازی انواع اندباهی ناسالام از جمله پولشویان، مافیای سوداگران، بیکاری و خانه‌نشینی هنرمندان راستین، اعمال سانسور و سلیقه‌های شخصی و تزلزل‌سازی و ابتذالگرایی در سینما منجر شده است، سرانجام به گوش سیاستون و فعالان دفتر استراتژی ریاست جمهوری هم رسید. این دفتر در واکنش به آشفتگی های سینما و اعتراض‌ها، به ظاهر برای رسیدگی و شاید هم انحراف اعتراض‌ها دست به کار شده است. واکنش دفتر یاد شده، دعوت جماعتی از سینماگران، جهت بحث و گفت و گو و بررسی اوضاع و احوال کنونی سینمای بیمار ایران است. از آنجا که نگاه مسلط بر عملکرد این دفتر، اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های دولت آقای روحانی است، سیاستون آن، که هیچگونه خویشاوندی با فرهنگ ندارند

روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی



نشانی الکترونیکی روزنامه: aftarb.yz@gmail.com
سامانه بانک آفتاب بزد: ۲۰۰۰۱۴۴۲۷
عضو انجمن روزنامه‌های غیر دولتی - تعاونی مطبوعات - انجمن مدبران رسانه
توصیه می‌شود در خصوص برخی آگهی‌ها تحقیق لازم صورت گیرد

آفتاب قلمش بک سیاسی

روزنامه آفتاب یزد در نظر دارد هر روز در این ستون بخشی از خاطرات سیاستون برجسته کشور را به چاپ برساند. این سلسله خاطرات را با مرحوم **اکبر هاشمی رفسنجانی** از مسئولان با سابقه نظام ادامه می‌دهیم. او زاده رفسنجان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، نماینده تهران در مجلس خبرگان رهبری و رئیس هیئت

موسس و هیئت امنای دانشگاه آزاد اسلامی بود. هاشمی‌همچنین اولین رئیس مجلس شورای اسلامی و چهارمین رئیس جمهور ایران در دو دوره یبایی بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ بوده و به عنوان یکی از پرنفوذترین شخصیت‌های سیاسی نظام شناخته می‌شود.

طرح ایجاد کانال بین دریای خزر و عمان

دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۶۲
صبح زود پاسدارها اطلاع دادند که نیمه شب دیشب، سرهنگ صیاد شیرازی فرمانده نیروی‌زمینی ارتش از جبهه تلفن کرده است. با قرارگاه تماس گرفتیم. معلوم شد دیشب مرحله اول‌عملیات والفجر یک را با رمز «یالله» شروع کرده‌اند. در محور قرارگاه نجف‌پیشروی کرده‌اند و در محور قرارگاه کربلا به مانع برخورد و عقب‌نشینی کرده‌اند. چون نتیجه روشن نیست، اعلان نکرده‌اند. با استفاده از تجربه‌های گذشته، قرار شد قبل از روشن شدن وضع، اعلان نکنیم. ساعت‌ده با آقای محسن رضایی تماس گرفتیم. گفت قرارگاه نجف، چهل درصد اهدافش را تامین کرده و کربلا هیچ؛ حدود ۱۵۰ اسیر گرفتیم و تلفات ما هم کم بوده است!

پیش از طرح ایجاد کانال بین دریای خزر و خلیج فارس را در نمازجمع مطرح کردم، برایم فرستاده است.

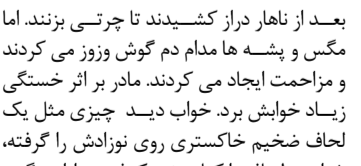
سه شنبه ۲۳ فروردین ۱۳۶۲

صبح زود به مجلس رفتیم. با قرارگاه خاتم‌الانبیاء تماس گرفتیم؛ وضع بد نیست، ولی در مجموع ناموفق است. به خاطر جلوگیری از تأثیر تبلیغات سنگین منفی عراق و دشمنان و حفظ روحیه رزمندگان، لازم دیدیم که بیشتر صحبت شود. پیش از دستور درباره عملیات و موفقیت‌هایش صحبت کردیم. چند لایحه تصویب شد. آقای محمد غرضی وزیر نفت به سؤال نمایندگان درباره کمبود نفت جواب داد. اعتبارنامه آقای سیدتقی خاموشی نماینده تهران مطرح شد. آقای فواد کریمی نماینده اهواز اول اعتراض خود را گفت و ایشان دفاع کرد. عده‌ای از اتهامات وارده توسط آقای کریمی عصبانی شده بودند. مسئله خلاقیت به خرج بدهد و در کنار جشن دهه فجر، کاری فرهنگی هم بکند، آخر شب برای کودکان و نوجوانان محله، برنامه فیلمی گذاشته بودند. آن هم چه فیلمی! «توبه نصح» محسن مخملباف، بچه‌هایی که آن شب به تماشای از قبر برخاستن «لطیف علی خان» نشستند، تا یک هفته، شبها بی خیال رفتن به دستشویی گوشه حیاط شدند و...

آن سال‌های برخططره با همه سادگی اش گذشت و رسید به این سال‌ها. نمی‌دانم بچه‌های امروز با شنیدن عنوان «دهه فجر» چه تصاویر و تصوراتی به ذهنشان می‌آید؟ اصلا نمی‌دانم جشن و تزئینی در مدارس و کلاسها هست یا نیست؟! حتی این را هم نمی‌دانم که بچه‌ها از انقلاب و امام چه می‌دانند و چه‌ها نمی‌دانند؟! بعد هیچ قلمی از نوستالژی‌های دهه فجر و خاطره انگیزی سریال «معما شاه» چیزی نخواهد نوشت!



آفتاب داستان کوتاه



اعضای خانواده ناهارشان را برداشته و رفته بودند پیک نیک خارج از شهر. جای سرسبزی پیدا کردند و بساط ناهار را پهن کردند. آشغال‌های ناهار را داخل یک نایلون ریختند و دنبال سطل زباله گشتند اما هرچه دور و برشان را نگاه کردند سطل زباله ندیدند. کمی دورتز جای بود که بر از زباله بود. مادر نایلون را برداشت و ناچار در همان محل انداخت. گریه‌ها نایلون‌های زباله‌ها را پاره کرده بودند و محتوای آنها روی زمین ریخته بود. آشغال‌ها زیر نور آفتاب گندیده بود و بوی مواد غذایی فاسد فضا را پر کرده بود. مگس‌ها هم که روی آشغال‌ها جولان می‌دادند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: منصور مظفری
سر‌دبیر: سیدعلیرضا کریمی
تهران: خیابان شهید مطهری، ابتدای قائم مقام‌فراهانی (به سمت هفت تیر)
کوجه ۲۶ پلاک ۱۰ طبقه اول واحد یک
امور آگهی‌ها: ۰۹۱۲ ۸۱۹ ۷۷۸۲
تلفن: ۰۸ - ۸۸۳۲۱۲۹۷ تا ۸۸۳۲۱۲۹۹
چاپ: همشه‌ری (۳) - جاده مخصوص - تلفن: ۰۷۶ - ۴۴۵۴۵۰
توزیع: تلفن: ۰۹۱۲۸۱۹۷۷۸۲
دفتر مرکزی بزد: بلوار ۲۲ بهمن، تلفنکس: ۰۳۵ - ۳۵۲۴۶۹۱۹
مقالات و نوشتارهای ارسالی به روزنامه افتخاری بوده و در صورت عدم چاپ مسترد نمی‌گردد

یکشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۹۷ | 3Feb 2019 | ۲۷جادی‌الاول ۱۴۴۰ | اسال ۲۱ | شماره ۵۳۸۷

آفتاب راهکار



جریان فکری خاصی در کشور با ارائه نظرات متفاوت، مشغول رجزخوانی برای به شکست شانیدن طرح تصویب FATF هستند. استفاده فراوان از واژگان جهت‌دار و به دور از اهداف ملی آن هم در شرایط حساسی که کشور در آن به سر می‌برد بیش از هر چیز نشانه‌گر مانیفست گروهی است، تا تامین امنیت و منافع ملی ایران، برای گذر از تحریم‌های ایالات متحده آمریکا. ارزیابی غلط تفکر جریان راست سنتی سرانجامی جز ناکامی برای آنها نداشته و متأسفانه همچنان به تئوری از این ستون به اون ستون فرجه اصرار دارند. حرف‌ها در ارتباط با تصویب FATF زیاد شنیده می‌شود، حرف‌هایی که نشان‌دهنده این اصل مهم است که ایران روش بلد نیستند، مشکل ما این است که آنان با بضاعت فکری اندک با سخنان خود بعضا در صد تسوبه حساب‌های سیاسی و دشوار کردن شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشوراند و می‌خواهند با استفاده از ابزار فشار و قدرت و رسانه‌هایی که در اختیار دارند کار را بر دولت روحانی سخت کنند، باید به جریان اصولگرا آموخت، که اتحاد بین‌المللی مبارزه با پولشویی در راستای مبارزه با پولشویی و مقابله با فعالیت‌های غیرقانونی در عرصه اقتصاد است و در حال حاضر با منافع ملی مغایرتی ندارد. عدم تصویب FATF روی زندگی مردم اثر منفی‌تری می‌گذارد و با استراتژی شکست تحریم ایالات متحده آمریکا همخوانی ندارد. ابتدا باید جمهوری اسلامی را تقویت کرد و بعد در احوثت‌تری می‌توان به دوستان کمک کرد. فراموش نکنید نفوذ ایران در منطقه فرهنگی است، آرمان‌های انقلاب اسلامی و تفکرات آزادی و استقلال خواهی و مبارزه با ظلم و ستم و هر گونه اشغالگری به منطقه خاورمیانه رسیده است. قدرت‌های خارجی از توانایی مالی و نظامی و رسانه‌ای نامحدود برخوردارند و با عدم تصویب این طرح، مشکلاتی را ایجاد می‌کنند. باید به روش و نگاه امروز و با تاکتیک‌های دیپلماسی درست جامع و کاربردی آشنایی پیدا کرد و کشور را با مشکلات دیگر ترکیب نکرد. یکی از کلیدهای شکست‌های تحریم ترامپ تصویب طرح آقای اف است. در این میان نباید، به آمریکا پنهان داده شود. آمریکا در منزوی کردن ایران با شکست دوره‌برو شده است و در حال حاضر جامعه جهانی با آمریکا همراه نیستند. با عدم تصویب این طرح تمامی زحمات دولت روحانی در همراه کردن اتحادیه اروپا و سایر کشورهای تأثیرگذار در روابط بین‌الملل بر باد می‌رود. باید برای استحکام ساختار سیاسی و اقتصادی کشور با تصویب این طرح به مسئولیت‌های خویش در قبال ملت پایبند ماند و با تصویب کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم به جهانبان نشان داد که مبنای تصورات غلط از ایران همواره بر دریا شخم می‌زنند. با تصویب این طرح مکانیسم‌های تحریم و سیاست خصمانه تصویب با ایران در بخش اقتصادی و سیاسی تضعیف خواهد شد وقطعا حضور ایران در این کنوانسیون و تطبیق سیستم مالی و پولی کشور با استانداردهای بین‌المللی گامی بزرگ برای همکاری‌های مالی و اقتصادی در جهان است و گامی بزرگ در شکست تحریم‌های آمریکا به شمار می‌رود. با فعالیت‌های غیر قانونی، درآمد حاصل از طرح‌های غیرمشروع خود را پنهان می‌کنند. باید به فکر منافع بلندمدت ایران باشیم.

آفتاب حافظ‌نامه

طرفی به گمانم جناب دکتر ظریف وزیر امور خارجه نزد ما بیامد و این بار کمی شانان بود و حال خوشی داشت و به ما گفت: حافظ! امروز حال خوشی داریم. لیخند به لب داریم چون بالاخره اروپا سناز و کار مالی خود را رونمایی و اعلام کرد. حتی ثبت رسمی کرداما دوست داریم این سناز و کار مفید واقع شود. تو را به شاخه نباتت قسم در فال ات بیرومن تو سناز و کار مالی اروپا ما را پندی ده. در فال وی گفتیم:

آفتاب حافظ‌نامه

مژده‌ای دل که دگر باد صبا باز آمد ههدد خوش خبر از طرف صبا باز آمد در تفسیرشعر هم گفتیم: شعر و فال با واژه مژده شروع شود یعنی خیلی خبیلی خست. من حافظ که از جزئیات عواقب این سناز و کار مالی اروپا چیزی نمی‌دانم لکن همین که پس از مدت‌ها بالاخره خبری خوب رسید و تو همچو هدهد خوش خبر سراغ حافظ آمدی خیراست. اعلام این خبر مثل روز اعلام توافق برجام از نظر حافظ همچو باد صبا باز آمد. در آینده هم خبرهای خوبی به تومی رسدا!